

الحكم الفقهي للمصابين والقتلى الناجمين عن الهائشات في الحكومة الإسلامية من وجهة المذاهب الفقهية

علي فارسي مدان^١

[تاريخ الاستلام: ١٤٥١/٦/١٦؛ تاريخ القبول: ١٤٥٢/٧/٢٦ - ش]

الملخص

لكلمة هائشات معنيان القتلى في الاضطراب والخوف الذي يحدث ليلاً ونهاراً نتيجة للفتنة ويؤدي إلى القتل أو الجرح. تهدف هذه الدراسة من خلال الأسلوب الوصفي والتحليلي إلى الإجابة على هذا السؤال الأساسي: ما هو الحكم الفقهي لآثار ونتائج القتلى والمصابين الناجمين عن الهائشات؟ نظراً بأن يمكن دراسة المقالة من منظورين معنويين للقتلى الناجمين عن الفتن والثورة والاضطراب، فإن هذه الدراسة تشرح الحكم الفقهي الناتج عن الهائشات. قد حاول المؤلف بحث هذه المسألة وفقاً لمعانيها؛ وبناءً على ذلك، إذا قتل شخص في الفتنة والاضطرابات، ينبغي فحص حكمه من جانبين الوضعي والتكليفي. في الحكم التكليفي الذي يتعامل مع الجوانب الدينية (الغسل والصلاة) والمالية (الدية)، هناك ثلاث حالات ممكنة؛ أولاً: إذا قتل القتل لمواجهة الفتنة، فيعتبر شهيداً. ثانياً: إذا كان القتل في الفتنة والاضطرابات شخصاً عادياً وتم قتله عرضياً، فإنه يتم غسله وأداء الصلاة عليه ويتحمل بيت المال ديته حتى لا يضيع حقه. ثالثاً: إذا كان القتل من أهل الفتنة، هناك اختلاف في الآراء؛ ولكن يتم غسله وأداء الصلاة عليه. بالإضافة إلى ذلك، إذا تم قتل شخص أو جرحه بسبب الخوف من الليل أو النهار، فإن بيت المال يتحمل ديته. في هذا البحث، تم التركيز أيضاً على الأحكام الفقهية لأهل السنة فيما يتعلق بمسألة الهائشات؛ قد أشارت الأحكام الفقهية لأهل السنة إلى حكم القتل في الفتن، إلا أنها لم تتعمق في حكم القتل نتيجة للخوف. في الحكم الوضعي، يجب على الأفراد أن يكونوا على علم بتداعيات الاضطرابات ويتجنبون الأفعال العنيفة والمثيرة التي تؤدي إلى حدوث الفتن وقتل الأشخاص.

الكلمات المفتاحية: الهائشات، المذاهب الفقهية، الحكومة الإسلامية.

١. خريج المستوى الرابع من الحوزة العلمية في قم، قم، إيران alifarsimadan98@gmail.com

حکم فقهی مجروحان و کشته‌شدگان ناشی از هائشانات در حکومت اسلامی از دیدگاه مذاهب فقهی

علی فارسی مدان^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۷/۲۶]

چکیده

هائشانات دارای دو معنای مقتول در فتنه و ترسی است که در شب و روز به دلیل فتنه پدید می‌آید و منجر به قتل یا جراحت می‌شود. این پژوهش درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی به این سؤال اساسی پاسخ دهد که حکم فقهی آثار و پیامد کشته‌شدگان و مجروحان ناشی از هائشانات چیست؟ با توجه به اینکه مقاله را می‌توان از دو دیدگاه معنایی کشته‌شدگان ناشی از فتنه و شورش و اغتشاش بررسی نمود، این تحقیق ناظر به تبیین حکم فقهی نتایج هائشانات است. نگارنده در این نوشتار تلاش کرده است این موضوع را با توجه به معانی آن بررسی کند؛ بر این اساس اگر شخصی در فتنه و ناآرامی‌ها کشته شود، حکم او را باید از دو جنبه وضعی و تکلیفی بررسی کرد. در حکم تکلیفی که به موضوع عبادی (غسل و نماز) و مالی (دیه) می‌پردازد، سه حالت متصور است؛ نخست: اگر مقتول برای مقابله با فتنه کشته شده باشد، شهید به شمار می‌آید. دوم: اگر مقتول در فتنه و ناآرامی، از مردم معمولی باشد که اتفاقی کشته شده‌اند، او را غسل می‌دهند، نماز می‌خوانند و دیه ایشان بر عهده بیت‌المال است تا خونش پایمال نگردد. سوم: اگر مقتول جزء فتنه‌گران باشد، اختلاف نظر وجود دارد؛ اما او را غسل می‌دهند و برایش نماز می‌خوانند. همچنین اگر کسی به دلیل ترس از شب یا روز کشته یا مجروح شود، دیه‌اش بر عهده بیت‌المال است. در این پژوهش به احکام فقهی اهل سنت در بحث هائشانات نیز توجه شده است؛ البته در متون اهل سنت، حکم مقتول در فتنه اشاره شده است؛ اما درباره مقتول به دلیل ترس چیزی بیان نشده است. در حکم وضعی افراد باید به نتایج اغتشاش و ناآرامی آگاه باشند و از حرکت‌های تند و احساساتی موجب بروز فتنه و کشته شدن افراد اجتناب کنند.

کلیدواژه‌ها: هائشانات، مذاهب فقهی، حکومت اسلامی.

مقدمه

امام صادق (ع) در روایتی به نقل از امام علی (ع) فرمود: «لَيْسَ فِي الْهَائِشَاتِ عَقْلٌ وَلَا قِصَاصٌ» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴، ص ۴۹۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۱۰، ص ۲۰۳) در هائشات دیه و قصاص وجود ندارد». شاید در ابتدای امر این سؤال طرح شود که منظور از هائشات در روایت و اصطلاح فقهی چیست؟ و چه احکام و آثار فقهی دارد؟ به همین دلیل این پژوهش درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی، حکم فقهی نتایج هائشات را بررسی کند. در بحث درباره نتایج هائشات، یکی از پیامدهای هائشات و اغتشاش، کشته شدن افراد است و حکم فقهی کشته شدگان از چالش های فقهی و نیازمند به پاسخ دانسته می شود. در این نوشتار به دو سؤال اساسی زیر پاسخ داده می شود:

۱. اگر شخصی در فتنه و ناآرامی ها کشته شود، حکم دیه او در مذاهب فقهی چگونه است؟
۲. حکم ترسی که در شب و روز [به دلیل فتنه] پدید می آید و موجب جرح در سر و صورت یا قتل شود، در مذاهب فقهی چیست؟

هائشات در متون فقهی دارای دو تفسیر متفاوت است؛ یک معنای آن بررسی حکم مقتول در ناآرامی ها و فتنه هاست که بحثی کاربردی است؛ برای این اساس ضرورت دارد این موضوع فقهی مورد بررسی قرار گیرد؛ حتی برخی از قواعد فقهی مانند لوث، ارش، مصارف بیت المال، قاعده لایبطل (پایمال نشدن خون مسلمان) با این موضوع مرتبط است که بدان اشاره خواهد شد. معنای دوم این است که فردی به دلیل ترسی که در شب و روز برای فتنه پدید آمده است و موجب جرح در سر و صورت یا قتل شود.

می توان هائشات را به معنای «کشته شدن ناشی از اغتشاش و فتنه» و «هائش» یعنی خود شورش و اغتشاش در نظر گرفت و حکم فقهی هر کدام را بیان کرد؛ به همین دلیل نویسنده در این نوشتار درصدد است حکم فقهی پیامدهای هائشات را تبیین کند.

درباره پیشینه این تحقیق تا کنون اندیشمندان علوم اسلامی به صراحت به نگارش و پژوهش نپرداخته‌اند و با تتبع در کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات اثری ویژه این موضوع یافت نشد؛ البته محققان ذیل بحث پرداخت دیه از بیت‌المال به هائشات اشاره کرده‌اند که در هائشات دیه و قصاص وجود ندارد (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴، ص ۴۹۶). فقهای امامیه نیز گفته‌اند دیه هائشات از بیت‌المال داده می‌شود (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ج ۱۶، ص ۲۸۳؛ محقق حلّی، ۱۴۱۲: ج ۳، ص ۳۹۸؛ علامه حلّی، ۱۴۱۳: ج ۹، ص ۳۴۶)؛ به شرطی بیت‌المال متصدی پرداخت دیه قتل یا جرح آن است که قوم و افرادی متهم نباشند یا لوث وجود نداشته باشد (ابن ادریس حلّی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۳۶۰).

برخی از نویسندگان در مقالات مرتبط با بیت‌المال به نقش بیت‌المال درباره هائشات پرداخته‌اند که می‌توان به آثاری همچون «مبانی پرداخت دیه از بیت‌المال» اثر حسین علی بای، «مسئولیت دولت یا حکومت: تبیین مبانی آن در آموزه‌های فقه و حقوق کیفری» نگارش حمید محمدی، «تقصیر در مسئولیت مدنی و عدالت» اثر مسعود راعی، «قلمرو مسئولیت بیت‌المال در پرداخت دیه» از حسین علی بای، «قاعده ارزش خون انسان» اثر حامد عابدینی و ... اشاره کرد. تمایز این مقاله با پژوهش‌های ارزشمند دیگر انعکاس آرای اهل سنت و مطالعه تطبیقی در فقه مقارن است؛ همچنین حکم وضعی و تکلیفی هائشات در غسل و نماز را بیان می‌کند؛ بنابراین این نوشتار نخستین اثری است که به جوانب مختلف آن یعنی مقتول در فتنه و کشته‌شدگان و مجروحین از ترس در شب و روز به دلیل فتنه پرداخته است.

۱. مفهوم هائشات

مفهوم هائشات دارای معانی مختلفی است که به معانی مرتبط با بحث می‌پردازیم. هائشات از ریشه هش، جمع هوش یا هیش است. هیش در لغت به معنای فتنه است

(صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۲۸؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۵، ص ۲۸۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۶، ص ۳۶۷). در اصطلاح فقهی ظاهر تفسیر هائشات در کلام امام صادق (ع) (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴، ص ۴۹۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۱۰، ص ۲۰۳) جمع هیش به معنای فتنه است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ص ۲۳۲). هوش نیز در معنای فتنه (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۴، ص ۶۷؛ زمخشری، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۴۱۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۵، ص ۲۸۲) و ترس و شربین مردم (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۴، ص ۶۷) به کار رفته است. مجلسی ظاهر تفسیر هائشات در کلام امام صادق (ع) را به معنای ترسی می داند که میان مردم واقع می شود (مجلسی، ۱۴۰۶: ج ۱۶، ص ۴۲۲)؛ البته ترس در شب و روز که موجب می شود سر و صورت انسان مجروح یا کسی کشته شود که معلوم نیست چه کسی او را کشته یا مجروح کرده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴، ص ۴۹۶). البته منظور در این پژوهش، فتنه ای است که در شب یا روز پدید آید؛ بنابراین معنای فتنه و ترس (منجر به جرح و قتل) مشترک بین هوش و هیش و جمع آنها هائشات است که در فقه کاربرد دارد.

همچنین به نظر می رسد هائش، اسم فاعل از فعل هاش، یهوش، هُش، هوشاً و هیشاً فهُو هائش است. وقتی گفته می شود: هَاشٌ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ: وَتَبُوا لِلْقِتَالِ هَيْشًا (زمخشری، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۴۱۴)، یعنی بی پروا و با تندی به جان هم افتادند و قتال کردند. یا گفته می شود: هَاشَ الْقَوْمُ يَهْوِشُونَ هَوْشًا: هَاجُوا وَاضْطَرُّوا (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۲۳۲؛ زمخشری، ۱۹۷۹: ص ۷۰۷) اینها نتیجه فتنه را می رساند. چنانچه در معنای هائشات، هیجان (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۴، ص ۶۷؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۵، ص ۲۸۲) و اضطراب (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۶، ص ۳۶۶؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۹، ص ۲۳۲) نهفته است.

این لغت در کتب روایی و تفاسیر اهل سنت مطرح است؛ مسلم در صحیحش آن را به معنای اختلاط، منازعه، خصومت، بلندکردن صدا و فتنه می داند (ابن حجاج، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۳۲۳)؛ ابوداود آن را به معنای فتنه و بلندکردن صدا دانسته است (ابوداود، ۱۴۲۰: ج

۱، ص ۳۱۴)؛ در سنن الترمذی اصل آن به معنای هوش است که دارای معانی بلندکردن صدا، فتنه، اختلاط و اختلاف می باشد (ترمذی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۴۲۷). قرطبی از مفسران اهل سنت می گوید هوش به معنای اختلاط، منازعه، بلندکردن صداست (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۳۵۹) که باید از آنها اجتناب و پرهیز کرد (دارمی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۸۰۶)؛ زیرا این معانی از ویژگی ها و اوصاف فتنه و ناآرامی هاست.

۲. حکم فقهی نتایج هائشات

در این نوشتار به خود هائش پرداخته نشده است، بلکه آثار و نتایج آن در مذاهب فقهی مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته است.

۲-۱. مقتول در فتنه

اولین نتیجه و پیامد هائشات، کشته شدن افراد در اثر اغتشاش و فتنه است که حکم فقهی آن از دو لحاظ وضعی و تکلیفی قابل بررسی است.

الف) حکم وضعی

در این نوشتار وظایف افراد در حکم وضعی تبیین می شود؛ زیرا یکی از نتایج هائشات در حکومت اسلامی ایجاد فتنه و اغتشاش و ناآرامی توسط آشوب گران و اغتشاش گران است. فتنه در این پژوهش به معنای آشوب ها، ناآرامی ها و درگیری هاست. رابطه فتنه و هائشات آن است که یکی از آثار و نتایج هائشات، اغتشاشات و حرکت های تند و احساساتی است که موجب ایجاد فتنه و کشته شدن افراد می شود. یکی از تعاریف فتنه که با تحقیق حاضر تطابق دارد، آن است که بعضی از افراد به دلیل اختلاف و عدم فهم درست از حقایق و

واقعیت‌ها، آگاهانه و از روی علم از قبول حقیقت سرپیچی می‌کنند و برخی دیگر نیز در برابر منکر نمی‌ایستند و نهی از منکر نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۹، ص ۵۱)؛ در این حالت جامعه غبارآلود می‌شود که نتیجه آن نشناختن حقیقت و واکنش نادرست در وقایع و اتفاقات است.

امام علی (ع) برای رهایی از فتنه فرمود: «در فتنه‌ها باید همچون شتر دو ساله بود، نه پستی دارد که سواری دهد و نه پستانی دارد تا او را بدوشند» (نهج البلاغه: ح ۱)؛ بنابراین حضرت (ع) در فتنه همگان را برحذر می‌دارد تا گمراه نشوند؛ زیرا انسان باید خود را از فتنه‌ها و مشکلات برهاند و تسلیم فتنه نگردد. همان‌طور که روایت نبوی می‌گوید: «مؤمن هوشیار و دقیق و محتاط است» (شعیری، [بی‌تا]: ص ۸۵). مؤید مطلب روایتی است که اگر خوارج علیه حکومت جور (مانند معاویه) وارد جنگ شوند، نباید با آنان جنگید (چنانچه امام حسن (ع) وارد نشدند)؛ زیرا در این زمینه مجالی هست (صدوق، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۶۰۳). گفتنی است در صورتی که یک طرف مُحق باشد و طرف مقابل فتنه‌گر باشند، باید از حق حمایت و دفاع کرد.

در ادامه نوع تقابل در فتنه‌ها و ناآرامی‌ها در منابع اهل سنت بیان می‌شود. قرطبی از مفسران اهل سنت ذیل آیه ۴۳ «بقره» روایتی از ابن مسعود نقل می‌کند که می‌گوید: «ایاکم و هیئات الاسواق» (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۳۵۹). در کتب روایی اهل سنت ابن مسعود این روایت را به نقل از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که می‌توان به صحیح مسلم (ابن حجاج، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۲۲۳)؛ سنن ابی داود (ابوداود، ۱۴۲۰: ج ۱، ص ۳۱۴)، سنن الترمذی (ترمذی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۴۲۷) اشاره کرد. در این کلام به صراحت آمده است داخل در نزاع نشوید که گاهی اتفاق می‌افتد، قتلی که توسط خودشان واقع شده را به شما نسبت می‌دهند (ابن طاووس، ۱۳۷۴: ص ۵۷).

ب) حکم تکلیفی

در حکم تکلیفی به این سؤال پاسخ داده می‌شود که حکم فقهی شخصی که در فتنه یا جنگ با شورشیان کشته شد، چیست؟ حکم تکلیفی در اینجا از دو منظر عبادی (غسل و نماز) و مالی (دیه) بررسی می‌شود.

- جنبه عبادی

مقتول در فتنه یا فتنه‌گر است یا جزء فتنه‌گران نیست. اگر مقتول در فتنه و شورش از فتنه‌گران نبود، دو حالت تصورشدنی است؛ برخی از مقتولین افراد و مردم معمولی که اتفاقی در فتنه و ناآرامی‌ها کشته می‌شوند؛ برخی دیگر افرادی برای جلوگیری از فتنه و ناآرامی وارد معرکه می‌شوند. در این حالت سه گونه می‌توان تصور کرد:

حالت نخست: اگر مقتول در فتنه و شورش از فتنه‌گران نبود و برای مقابله با فتنه وارد میدان معرکه گردید و کشته شد:

۱. فقه امامیه

شیخ طوسی قایل است بر او نماز می‌خوانند؛ اما غسل میت نمی‌دهند؛ زیرا شهید به شمار می‌آید؛ گرچه برخی می‌گویند نماز نیز خوانده نمی‌شود؛ زیرا در معرکه فتنه کشته شده است؛ برخی دیگر قایل اند او را غسل می‌دهند و بر او نماز می‌خوانند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۲۷۸). ایشان در کتاب الخلاف نظر اول را تقویت می‌کند و می‌گوید غسل داده نمی‌شود؛ اما بر او نماز خوانده می‌شود (طوسی (الف)، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۷۱۵).

دلیل اختلاف روایات موجود در مسئله است. در فتنه صفین عَمَّارَ بْنَ یَاسِرٍ وَ هَاشِمَ بْنَ عُبَّيَةَ الْمَرْقَالِ به شهادت رسیدند و امام علی (ع) آن دو را غسل ندادند و نماز نخواندند

(طوسی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۲۱۴؛ طوسی (الف)، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۱)؛ در حالی که شیخ طوسی قایل است نماز نخواندن امام (ع) بر آنان، عقیده و کلام راوی است؛ زیرا نماز بر میت در هیچ حالتی ترک نمی شود (همان). شهید اول نیز با شیخ طوسی موافق است؛ دلیل ایشان روایات دیگر است (عاملی، ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۳۲۰). صاحب جواهر الکلام می گوید نماز نخواندن نظر راوی است؛ شاید علت این امر مشغول بودن امام (ع) به جنگ است که به فرد دیگری دستور داده اند تا نماز بخواند (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۱۲، ص ۷۰). خویی نیز قایل است نماز خواندن دیگری بر آنان، دلیل بر وجوب ندانستن نماز نیست (خویی، ۱۴۱۸: ج ۹، ص ۱۸۳). بنابراین فقها با روایت مذکور مخالفت کرده اند و به آن عمل نمی کنند و بر مقتول در معرکه که فتنه گر و شورشی نباشد و از اهل عدل باشد، نماز می خوانند (بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۳، ص ۴۱۹). دلیل دیگر اجماع است (طوسی (الف)، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۷۱۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ج ۳، ص ۴۱۹)؛ زیرا ایشان شهید به شمار می آید (طوسی (الف)، الخلاف، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۷۱۵؛ طوسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۲۷۸)؛ پس بر ایشان نماز خوانده می شود، اما غسل داده نمی شود (علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۱، ص ۱۱۸).

۲. فقه اهل سنت

سرخسی قایل است کسی از اهل عدل که در محاربه با اهل بغی کشته شده باشد، شهید به شمار می آید؛ بنابراین غسل داده نمی شود؛ برای مثال اصحاب امام علی (ع) که در فتنه نهروان به شهادت رسیدند، غسل داده نشدند (سرخسی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۵۳). الزحیلی می گوید حکم ایشان در غسل و نماز مانند کسی است که در معرکه با مشرکین جنگیده و کشته شده است؛ به همین دلیل امام (ع) کسانی را که همراه ایشان بودند و کشته شدند، غسل نداد. عمار نیز وصیت کرده بود او را غسل ندهند و با همان

لباس دفن کنند (الزحیلی، ۱۴۳۱: ج ۲، ص ۴۹۰). یکی از فقهای اهل سنت معتقد است افزون بر اینکه غسل داده نمی‌شود، نماز هم نمی‌خوانند (سرخسی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۵۴). اما نظر شافعی این است که غسل داده می‌شود و بر او نماز اقامه می‌کنند و این حکم برای مقتول به حق است (یعنی کسانی که جزء فتنه‌گران نیست، بلکه با فتنه جنگیده و کشته شده است) (همان).

شافعی در کتاب الام می‌گوید اگر اهل عدلی توسط یکی از فتنه‌گران و بغات در معرکه کشته شود، دو نظر وجود دارد: نخست: شهید محسوب می‌شود؛ بنابراین بر او نماز نمی‌خوانند، بلکه با همان وضعیت و با لباس خودشان دفن می‌شوند. دوم: بر او نماز می‌خوانند؛ زیرا اصل اولیه حکم می‌کند برای همه مسلمانان باید نماز خوانند، مگر اینکه پیامبر (ص) نماز خواندن بر او را ترک نموده باشد علت ترک نماز آن است که در معرکه توسط مشرکان کشته شود (الشافعی، ۱۴۲۶: ج ۱، ص ۱۵۳۶).

حالت دوم: مقتول در فتنه و ناآرامی، افراد و مردم معمولی هستند که اتفاقی درگیر شده و کشته شده‌اند. درباره این‌گونه افراد همانند سایر اموات عمل می‌شود که او را غسل می‌دهند و بر او نماز می‌خوانند. درباره غسل ایشان به اطلاق روایت امام صادق (ع) (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۵، ص ۱۲۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۴۷۷) و سایر روایات (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۵، ص ۳۶۴) عمل می‌شود. در متون فقهی استثنائاتی برای عدم غسل همچون معصوم (ع) (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۵، ص ۳۰۷) و شهید در معرکه (انصاری، کتاب الطهارة، ۱۴۱۵: ج ۴، ص ۳۹۹) ذکر شده است؛ حتی در منابع فقهی اهل سنت وارد شده است که شهید در معرکه غسل ندارد؛ فقط حسن بصری قایل به غسل است (سرخسی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۵۰). بنابراین مورد بحث جزء آنان (استثناءها) نمی‌باشد و غسل میت واجب است؛ نیز نماز میت بر هر مسلمانی واجب است (حلی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۸؛ عاملی شهید اول، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۱۱۱) و فرقی بین عادل، فاسق، شهید و حتی کسی که مرتکب گناهان کبیره مانند خودکشی می‌شود، نیست. فقط بر

کافر واجب نیست (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۴۱۹-۴۲۰). مستند آن روایاتی است که بیان از وجوب نماز بر هر میت مسلمان است (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۱، ص ۴۶۸).
حالت سوم: اگر مسلمان کشته شده در معرکه فتنه و شورشیان جزء فتنه‌گران باشد، اختلاف نظر وجود دارد که در ادامه بررسی می‌شود.

۱. فقه امامیه

برخی قایل اند او را باید غسل کرد و بر او نماز خواند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۲۷۸؛ طبرسی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۳۸۰). مستند این قول عموم روایات است که می‌گویند مانند سایر اموات غسل دهند و نماز بخوانند (همان). برخی دیگر قایل اند مانند حربی او را غسل نمی‌دهند و نماز نمی‌خوانند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۲۷۸؛ طوسی (الف)، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۷۱۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ج ۱، ص ۱۱۸)؛ شیخ دلیل مسئله را اثبات کفر برای ایشان می‌داند (همان). اما ابن‌ادریس اثبات کفر را قبول ندارد (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۵۷).
در جمع این دو حالت می‌توان گفت حق آن است که در غیر ناصبی، غالی و کسی که از دین اسلام خارج شده است، نماز میت واجب است؛ دلیل آن اجماع، شهرت (پناه اشتهاوردی، ۱۴۱۷: ج ۸، ص ۳۴) و عموم روایتی است (علامه حلی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۳۷۸) که در مسئله وجود دارد.

۲. فقه اهل سنت

یکی از سؤالات فقهی مطروح میان اهل سنت، حکم کسی است از اهل بغی و فتنه‌گر که کشته شده است؟ از منابع فقهی اهل سنت دو دیدگاه استفاده به دست می‌آید:
نخست: معلی از ابویوسف و محمد نقل می‌کند این شخص را غسل نمی‌دهند و نماز نمی‌خوانند (سرخسی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۵۴). مستند این فتوا سیره امام علی (ع) در نهران

بود که خوارج را غسل نداد و نماز نخواند، آنها کفار و کافر نبودند؛ ولی برادران مسلمانی بودند که شورش کردند؛ اما دلیل ترک غسل و نماز، مجازات و عقوبت آنان است (همان).
دوم: شافعی با استناد به آیه شریفه «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا» (حجرات: ۹) قایل است او را غسل می دهند و نماز خوانده می شود؛ زیرا او مسلمان است (سرخسی، ۱۴۲۲: ج ۲، ص ۵۴)؛ چنان که شافعی در کتاب الام می گوید اگر فتنه کننده و باغی در معرکه یا غیر معرکه کشته شود، او را غسل می دهند و باید بر او نماز خواند؛ زیرا نماز سنت واجب برای همه مسلمین است مگر اینکه فرد کشته شده مشرک باشد که در این حالت غسل داده نمی شود و بر او نماز نمی خوانند (الشافعی، ۱۴۲۶: ج ۱، ص ۱۵۳۶). خرقی نیز قایل است او را غسل می دهند و بر او نماز خوانده می شود؛ زیرا احتمال دارد حکم این افراد مانند اهل عدل باشد و در مورد غسل مقتولین جنگ جمل و صفین (از هر دو طرف) چیزی نقل نشده است (الزحیلی، ۱۴۳۱: ج ۲، ص ۴۹۰). مستند این فتوا را می توان از روایت نبوی استنباط کرد که گفته شده است بر هر کسی که لا إله إلا الله بگوید [خدا را قبول داشته باشد]، نماز بخوانید (السیوطی، ۱۴۰۱: ج ۲، ص ۹۸).

- جنبه مالی

در ادامه حکم فقهی دیه مقتول در فتنه از منظر مذاهب فقهی تبیین می شود.

۱. فقه امامیه

در فقه امامیه دو حالت مطرح است:

حالت نخست: مقتول اهل عدلی که توسط فتنه گران کشته شده است، شهید محسوب می شود (طوسی (الف)، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۷۱۵؛ طوسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۲۷۸) و دیه آن از

بیت المال پرداخت می شود (طوسی (الف)، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۳۰۹؛ طبرسی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۳۶۸؛ مرعشی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۱۶۷).

حالت دوم: اگر مقتول از افراد معمولی بود؛ در این حالت اگر مقتول بین دو گروه در فتنه یافت شود و احتمال دارد حتی از افراد و مردم معمولی یا در جنگ و درگیری بین دو گروه باشد، به شرطی که قبل از آغاز فتنه، جنگ و درگیری باشد؛ دیه ایشان بر عهده بیت المال است (طوسی (الف)، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۳۰۹)؛ سپس فقهایی همچون طبرسی (طبرسی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۳۶۸)، صیمری (صیمری، ۱۴۰۸: ج ۳، ص ۱۹۹)؛ مرعشی نجفی (مرعشی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۱۶۷) این حکم و فتوا را پذیرفته اند. مستند فتوا اجماع و اصل برائت ذمه است (طوسی (الف)، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۳۰۹). یکی از فقهای اهل سنت اینجا بحث لوث را مطرح می کند (الشایسی، ۱۹۸۸: ج ۸، ص ۲۳۱) که شیخ طوسی در جواب می گوید وجوب لوث در این بحث احتیاج به دلیل دارد (طوسی (الف)، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۳۰۹).

همچنین می توان در این بحث به عمومات روایاتی استدلال کرد که می گوید دیه مقتول به سبب ازدحام جمعیت از بیت المال پرداخت می شود؛ البته در صورتی که قاتل او مشخص نباشد (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴، ص ۴۹۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۱۰، ص ۲۰۲). بنابراین یکی از ارکان و شروط پرداخت دیه از بیت المال، تحقق نیافتن لوث^۱ و ناشناس بودن قاتل است. صاحب جواهر الکلام نیز می گوید کسی که در اثر ازدحام جمعیت کشته شود، دیه اش بر بیت المال است؛ در صورتی که لوئی برای فرد معین حاصل نباشد (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۲، ص ۲۳۶). این نکته در قانون مجازات اسلامی به صراحت آمده است هرگاه شخصی در اثر ازدحام کشته شود یا جسد مقتولی در شارع عام [خیابان] پیدا شود و قراین ظنی برای قاضی بر نسبت قتل او به شخص یا جماعتی نباشد، حاکم شرع باید دیه او را از بیت المال بدهد و اگر شواهد ظنی نزد حاکم اقامه شود که آن قتل به شخص یا اشخاص

معین منسوب است، مورد از موارد لوث خواهد بود (منصور، ۱۳۸۱: ماده ۲۵۵). ماده ۴۸۷ قانون مجازات اسلامی می‌گوید اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد. در این بحث شیخ طوسی قایل است اثبات لوث احتیاج به دلیل دارد که اینجا تحقق ندارد (طوسی (الف)، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۳۰۹)؛ حتی تصریح می‌کند اگر قاتل مشخص نبود و لوث هم نباشد، دیه این افراد از بیت‌المال است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۲۱۳).

دلیل اینکه بیت‌المال مسئول پرداخت دیه است، وجود روایات می‌باشد. در روایت از یک طرف دیه و قصاص را متوجه هائشات نمی‌داند (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴، ص ۴۹۶)؛ از سوی دیگر خون مقتولی که در ناآرامی‌ها و فتنه‌ها کشته می‌شود، نباید هدر برود؛ زیرا قاتل او مشخص و معلوم نیست و قاعده فقهی «لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴، ص ۵۲۲) در اینجا حاکم است که اجازه نمی‌دهد خون مسلمانان هدر برود. در این راستا مقصود از قاعده مذکور بیان اهمیت خون مسلمان به دلیل ساقط نشدن دیه مقتول است که هرگاه قاتل معلوم نباشد یا اگر معلوم است، امکان گرفتن دیه از او به دلیل متواری بودن، فقر یا به علت دیگری وجود نداشته باشد، پرداخت دیه مقتول بر عهده بیت‌المال است؛ زیرا در این صورت خون مقتول پایمال می‌گردد (بای، ۱۳۹۳: ص ۲۶۲).

۲. فقه اهل سنت

این بحث میان اهل سنت به گونه‌ی دیگری مطرح است. اگر در قومی فتنه، نزاع، درگیری و مشاجره اتفاق بیفتد، حکم دیه مقتول چیست؟ در اینجا همه قایل‌اند دیه شخصی که در فتنه‌ای کشته شده است و قاتل مشخص نباشد، دیه مقتول واجب است (سابق، ۱۴۲۶: ج ۲، ص ۳۸۱). مستند این فتوا روایت نبوی است؛ کسی که در شلوغی و جنجال و فتنه کشته

می شود و قاتلش معلوم و مشخص نیست یا به وسیله پرتاب سنگ، شلاق یا ضربه عصا کشته شود، قتل خطایی محسوب می گردد و دیه آن نیز مانند دیه خطاست و هر کسی عمدی کشته شود، باید بابت قتل او قصاص اجرا شود و هر کسی مانع اجرای قصاص یا اجرای حدود الهی اعم از دیه و قصاص شود، لعنت و خشم خدا بر او باد و اعمال خوب داوطلبانه و فریض از او پذیرفته نمی شود (ابوداود، ۱۴۲۰: ج ۴، ص ۱۹۴۶). این روایت را نسائی نیز نقل کرده است (نسائی، ۱۴۱۱: ج ۴، ص ۲۳۱).

اما این سؤال طرح می شود که پرداخت دیه بر عهده کیست؟ در اینجا اختلاف نظر وجود دارد که در «فقه السنه» به فتوای فقهای اهل سنت اشاره شده است. ابوحنیفه معتقد است دیه بر عاقله ۲ قبیله ای است که مقتول میان آن قبیله پیدا شده است؛ به شرطی که اولیای مقتول مدعی نباشد قاتل غیر از این قبیله است؛ یعنی اگر اولیای مقتول این قبیله را قاتل نداند و غیر از این قبیله معرفی کند، قبیله ای که کشته میان آنان یافته شده است، مسئول پرداخت دیه نیست (سابق، ۱۴۲۶: ج ۲، ص ۳۸۱). مالک می گوید دیه بر عهده کسانی است که با اولیای مقتول نزاع و مشاجره کرده اند (همان). احمد می گوید دیه بر عاقله دیگران است، مگر اینکه اولیای مقتول آن را به فرد معینی نسبت دهند که در آن صورت قسامه به عمل خواهد آمد (همان). ابن ابی لیلی و ابویوسف گفته اند دیه مقتول بر هر دو گروه طرف نزاع و فتنه است [یعنی گروه اولیای مقتول و طرف نزاع آنها] (همان). اوزاعی می گوید دیه مقتول بر هر دو طرف نزاع است، مگر اینکه گواهی و بینه ای از غیر طرفین نزاع و فتنه، قاتل را مشخص نماید که در آن صورت از قاتل دیه و قصاص گرفته خواهد شد (همان).

شافعی می گوید اگر اولیای مقتول قتل را به فرد مشخصی یا طایفه معینی نسبت بدهند، باید قسامه ۳ به عمل آید؛ در این صورت برای مقتول دیه و قصاصی در میان نیست (همان)؛ همچنین شافعی حالت دیگری را مطرح می کند که اگر بر فتنه گر امان

داده شود و او توسط یک فرد جاهل به این موضوع کشته شود، دیه ایشان بر عهده قاتل است (الشافعی، ۱۴۲۶: ج ۱، ص ۱۵۳۶).

بنابراین در بحث مذکور به بیت‌المال اشاره نشده است و هیچ فقیهی از اهل سنت در فرضیه‌های مختلف بیت‌المال را متصدی پرداخت دیه نمی‌دانند. البته با تفحص و تتبع در منابع اهل سنت روشن شد حنفیه یکی از شروط هفت‌گانه تحقق قسامه را مجهول‌بودن قاتل ذکر کرده است (الزحیلی، ۱۴۳۱: ج ۶، ص ۳۷۴)؛ سپس یکی از مصارف بیت‌المال در پرداخت دیه جایی است که مقتولی در اماکن عمومی مانند مسجد جامع، پل‌ها، خیابان‌ها، بازارها پیدا شده باشد (الزحیلی، ۱۴۳۱: ج ۶، ص ۳۷۶)؛ بنابراین در هر مکان عمومی که برای همه مسلمانان باشد، نه برای افراد خاص مقتول یافت گردد، قسامه و دیه بر عهده هیچ‌کس نیست و دیه ایشان از بیت‌المال داده می‌شود (همان، ص ۳۷۷).

۲-۲. مقتول به دلیل ترس

یکی از معانی هائشاث از دیدگاه محدثین و فقها ترسی است که در شب و روز به دلیل فتنه پدید می‌آید که به موجب آن سر و صورت انسان مجروح یا کسی کشته شود، به طوری که معلوم نباشد چه کسی او را کشته یا مجروح کرده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴، ص ۴۹۶؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۱۰، ص ۲۰۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۹، ص ۱۴۶؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۲، ص ۲۳۸؛ مرعشی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۱۷۷).

شیخ طوسی قایل است کسی که به دلیل ترس از شب [یا فتنه در شب] کشته یا مجروح شود، قصاص و ارش ۴ ندارد، بلکه دیه اش بر عهده بیت‌المال است (طوسی، ۱۴۰۰: ص ۷۵۴). به تبع ایشان فقهای همچون محقق حلّی (محقق حلّی، ۱۴۱۲: ج ۳،

ص ۳۹۸)، علامه حلّی (علامه حلّی، ۱۴۱۳: ج ۹، ص ۳۴۶)، قاضی ابن براج (طرابلسی، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۵۱۴)، صاحب ریاض المسائل (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ج ۱۶، ص ۲۸۳) و مرعشی (مرعشی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۱۶۹) این فتوا را پذیرفته‌اند. صاحب جواهر الکلام قایل است فقط بیت المال متصدی آن است و به غیر از بیت المال دیه ای ثابت نیست (نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۲، ص ۲۳۸). مستند این فتوا روایتی است که حضرت علی (ع) حکم به پرداخت دیه از بیت المال داد (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۴، ص ۴۹۶ - ۴۹۷)؛ زیرا نباید خون مسلمان پایمال گردد. ابن ادریس به این فتوا یک قید اضافه می‌کند و می‌گوید به شرطی بیت المال متصدی پرداخت دیه قتل یا جرح است که قوم و افرادی متهم نباشند یا لوث وجود نداشته باشد (حلّی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۶۰). در مختلف الشیعة آمده است اشکال ندارد این قید باشد (علامه حلّی، ۱۴۱۳: ج ۹، ص ۳۴۶)؛ چنانکه مرعشی نیز این قید را ذکر کرده است (مرعشی، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۱۶۹). البته فقهای دیگر این نکته را یقینی دانسته و بیان نکرده‌اند؛ زیرا پرداخت دیه از بیت المال مرحله آخر است؛ یعنی اگر قاتل مشخص نباشد و اماره و شاهدی نشان دهنده قاتل موجود نباشد؛ نوبت به بیت المال می‌رسد. در اینجا یکی از فقها قایل به اطلاق است؛ یعنی دیه مطلقاً از بیت المال داده می‌شود و فرقی بین وجود لوث و عدم لوث نیست، مگر اینکه لوث در برابر فرد یا افراد معین نباشد (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱: ص ۲۳۲).

در منابع روایی اهل سنت به این نکته اشاره شده است و بیت المال را زمانی مسئول پرداخت دیه می‌داند که عاقله وجود نداشته باشد. مؤید مطلب بابی تحت این عنوان است (ابن ماجه، ۱۴۱۸: ج ۴، ص ۲۲۴). در منابع فقهی، روایی و تفسیری اهل سنت به حکم فقهی تفسیر دوم هائشات، یعنی مقتول به دلیل ترس و احکام فقهی آن اشاره ای نشده است.

۳. نتیجه

هائشات یکی از اصطلاحات فقهی دارای آثار و احکام فقهی است و دارای دو معنای «مقتول در فتنه» و «ترسی است که در شب و روز به دلیل فتنه پدید می‌آید که منجر به قتل یا جراحت می‌شود» است. مقتول در فتنه در این نوشتار از دو منظر حکم وضعی و حکم تکلیفی بحث گردید. در حکم وضعی روشن شد افراد در برابر فتنه دو وظیفه «شناخت» و «واکنش درست» را بر عهده دارند. در حکم تکلیفی باید میان افرادی که در فتنه کشته می‌شوند، تفاوت قایل شد و به همان نسبت حکم جاری کرد. در جنبه عبادی آن فقهای امامیه و اهل سنت به بحث و بررسی آن پرداخته‌اند که برای مقتول در فتنه سه حالت کلی وجود دارد:

الف) اگر مقتول در فتنه برای مقابله با فتنه وارد میدان معرکه گردد و کشته شود: حکم شهید را دارد.

ب) مقتول در فتنه و ناآرامی افراد و مردم معمولی هستند که اتفاقی درگیر شده و کشته شده‌اند: همانند سایر اموات عمل می‌شود، او را غسل می‌دهند و بر او نماز می‌خوانند.
ج) مقتول جزء فتنه‌گران باشد: در این حالت اختلاف نظر وجود دارد؛ اما ایشان را غسل می‌دهند و نماز می‌خوانند.

درباره جنبه مالی مقتول در فتنه؛ کسی که در برابر فتنه به شهادت رسیده است، دیه‌اش از بیت‌المال داده می‌شود. در غیر این صورت اگر از افراد و مردم معمولی در جنگ و درگیری بین دو گروه باشد به شرطی که قبل از آغاز فتنه، جنگ و درگیری کشته شود، دیه‌اش بر عهده بیت‌المال است.

دیه کسی که به دلیل ترس از شب کشته یا مجروح می‌شود یا شخصی که در فتنه‌ها و ناآرامی‌ها کشته شده است، از بیت‌المال است؛ زیرا بیت‌المال برای مصالح مسلمین

آماده شده است و نباید خون هیچ مسلمانی هدر رود. در منابع اهل سنت برای این موارد از پرداخت دیه توسط بیت‌المال اشاره‌ای نشده است، فقط برای برخی موارد همچون مقتولی که در اماکن عمومی مانند مسجد جامع، پل‌ها، خیابان‌ها، بازارها پیدا شده است، دیه‌اش از بیت‌المال داده می‌شود.

در متون فقهی شیعه، برای کسی که به دلیل ترس از شب [یا فتنه در شب] کشته یا مجروح شود، معتقدند قصاص و ارش ندارد، بلکه دیه‌اش بر عهده بیت‌المال است. در این باره در منابع فقهی اهل سنت، به حکم فقهی آن اشاره‌ای نشده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. لوث: اماره و قرینه‌ای است که با وجود آن [مانند شاهد حتی اگر یک نفر باشد] ظن قوی و گمان بر صدق مدعی پیدا می‌شود (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۴، ص ۲۰۷). شهید اول برای تعریف لوث چنین مثالی می‌زند: اگر کسی نزد مقتولی باشد که در خون غوطه‌ور است و در دستش هم سلاح خون‌آلود باشد، این شاهد و اماره‌ای قوی بر قاتل بودن آن شخص است (عاملی شهید اول، ۱۴۱۰: ص ۲۷۱).

۲. عاقله: معانی مختلفی از جمله خویشان و اقارب دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱، ص ۴۶۰). به خویشاوندان قاتل و جانی از آن‌رو عاقله می‌گویند که با عقال شتران رادیه به خانه مجنی‌علیه می‌برند و می‌بستند (طریحی، ۱۴۱۶: ج ۵، ص ۴۲۷). فقها در تعریف اصطلاحی آن قایل‌اند عاقله کسی است که دیه قتل خطایی را پرداخت می‌کند (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۱۷۳؛ محقق حلی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۳۳۴؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ج ۱۶، ص ۵۶۸). در حقوق جزایی ماده ۳۰۷ آمده است: عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که حین الفوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده دار پرداخت دیه خواهند بود (منصور، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۵۲۵).

۳. قسامه: قسامه اسم مصدر به معنای اولیایی که بر ادعای خون قسم یاد می‌کنند (عاملی شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۱۵، ص ۱۹۶؛ نجفی، ۱۴۰۴: ج ۴۲، ص ۲۲۶). در اصطلاح سوگندهایی است که مدعی برای

اثبات جنایت مدعی علیه، هنگام نبودن بینه برای اثبات ادعایش یاد می‌کند (جمعی از مؤلفان، [بی تا]: ج ۵۶، ص ۲۰۸).

۴. ارش: در اصطلاح فقها به مالی گفته می‌شود که به جای نقصان مالی یا بدنی وارد شده گرفته می‌شود و دارای مقدار شرعی نیست (انصاری، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۳۹۱). تفاوت ارش و دیه در آن است که دیه دارای مقدار معین شرعی است؛ اما ارش دارای مقدار معین شرعی نیست. در تعریف دیگر به تفاوت بین قیمت صحیح و معیوب ارش گفته می‌شود (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ج ۱۶، ص ۵۳۴).

کتاب‌نامه

قرآن کریم

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ ش)؛ النهایة فی غریب الحدیث و الأثر؛ چ چهارم، قم: اسماعیلیان.

ابن ادیس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ ق)؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی؛ چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن حجاج، مسلم (۱۴۱۲ ق)؛ صحیح مسلم؛ چ اول، قاهره: دار الحدیث.

ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ ق)؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل؛ چ اول، بیروت: مؤسسة الرسالة.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۴)؛ الطرائف؛ ترجمه: داود إلهامی؛ چ دوم، قم: نوید اسلام.

ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۱۸ ق)؛ سنن الحافظ؛ چ اول، بیروت: دار الجیل.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)؛ لسان العرب؛ چ سوم، بیروت: دار الفکر - دار صادر.

ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ ق)؛ سنن أبی داود؛ چ اول، قاهره: دار الحدیث.

انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ ق)؛ کتاب الطهارة؛ چ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت

شیخ اعظم انصاری.

- _____ (۱۴۱۵ ق)؛ کتاب المکاسب؛ چ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بای، حسین علی (۱۳۸۳)؛ «قلمرو مسئولیت بیت المال در پرداخت دیه»؛ نشریه حقوق اسلامی، ش ۳.
- _____ (۱۳۸۴)؛ «مبانی پرداخت دیه از بیت المال»؛ نشریه حقوق اسلامی، ش ۵.
- _____ (۱۳۹۳ ش)؛ قواعد فقهی؛ چ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ق)؛ الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة؛ چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- پناه اشتهاردی، علی (۱۴۱۷ ق)؛ مدارک العروة؛ چ اول، تهران: دار الأسوة للطباعة و النشر.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹ ق)؛ الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی؛ چ اول، قاهره: دار الحدیث.
- جمعی از مؤلفان [بی تا]؛ «مجله فقه اهل بیت علیهم السلام»؛ چ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)؛ وسائل الشیعة؛ چ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ ق)؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ چ اول، بیروت: دار الفکر.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ ق)؛ موسوعة الإمام الخوئی؛ چ اول، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره).
- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن (۱۴۲۱ ق)؛ مسند الدارمی؛ چ اول، ریاض: دار المغنی.
- راعی، مسعود و همکاران (۱۳۹۰)؛ «تقصیر در مسئولیت مدنی و عدالت»؛ مجله اندیشه های حقوق عمومی، ش ۱.
- الزحیلی، وهبه (۱۴۳۱ ق)؛ موسوعة الفقه الاسلامی والقضايا المعاصرة؛ الطبعة الأولى، دمشق: دار الفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ ق)؛ الفائق فی غریب الحدیث؛ چ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- _____ (۱۹۷۹ م)؛ أساس البلاغة؛ چ اول، بیروت: دار صادر.
- سابق، السید (۱۴۲۶ ق)؛ فقه السنه؛ بیروت: المكتبة العصرية.
- السرخسی، ابی بکر محمد بن احمد (۱۴۲۲ ق)؛ المبسوط؛ الطبعة الأولى، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۱ ق)؛ الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر؛ الطبعة الاولى، بیروت: دار الفکر.
- الشافعی، امام محمد بن ادريس (۱۴۲۶ ق)؛ الام؛ الطبعة الاولى، بیروت: دار ابن حزم.
- الشایسی القفال، سیف‌الدین ابی‌بکر محمد بن احمد (۱۹۸۸ م)؛ حلیه العلماء فی معرفه مذاهب الفقهاء؛ الطبعة الاولى، عمان: مكتبة الرساله الحديثه.
- شريف الرضى، محمد بن حسين (۱۳۷۹ ش)؛ نهج البلاغة؛ ترجمه: محمد دشتی؛ چ اول، قم: مشهور.
- شعیری، محمد بن محمد [بی‌تا]؛ جامع الأخبار؛ چ اول، نجف: مطبعة حیدریه.
- صاحب بن عباد، إسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ ق)؛ المحيط فی اللغة؛ چ اول، بیروت: عالم الكتاب.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۶ ق)؛ علل الشرائع؛ چ اول، قم: کتابفروشی داوری.
- صیمری، مفلح بن حسن (حسین) (۱۴۰۸ ق)؛ تلخیص الخلاف و خلاصة الاختلاف - منتخب الخلاف؛ چ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ ق)؛ ریاض المسائل؛ چ اول، قم: مؤسسه آل‌البيت (ع).
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ ق)؛ العروة الوثقی؛ چ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، امین‌الإسلام فضل بن حسن (۱۴۱۰ ق)؛ المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف؛ چ اول، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- طرابلسی، ابن براج، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ ق)؛ المذهب؛ چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق)؛ مجمع البحرین؛ چ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷ ق)؛ المبسوط فی فقه الإمامیه؛ چ سوم، تهران: المكتبة المرتضوية.
- _____ (۱۳۹۰ ق)؛ الاستبصار فیما اختلف من الأخبار؛ چ اول، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- _____ (۱۴۰۰ ق)؛ النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی؛ چ دوم، بیروت: دار الکتب العربی.
- _____ (۱۴۰۷ ق)؛ تهذیب الأحکام؛ چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.

- _____ (الف) (۱۴۰۷ ق)؛ الخلاف؛ چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عابدینی، حامد (۱۳۸۳)؛ «قاعده ارزش خون انسان»؛ مجله فقه، ش ۲.
- عاملی شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ ق)؛ اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية؛ چ اول، بیروت: دار التراث - الدار الإسلامية.
- _____ (۱۴۱۷ ق)؛ الدروس الشرعية في فقه الإمامية؛ چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۹ ق)؛ ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة؛ چ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- عاملی شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ق)؛ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية؛ چ اول، قم: کتابفروشی داوری.
- _____ (۱۴۱۳ ق)؛ مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام؛ چ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق)؛ مختلف الشيعة في أحكام الشريعة؛ چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۴ ق)؛ تذكرة الفقهاء؛ چ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- _____ (۱۴۲۰ ق)؛ تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية؛ چ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ ق)؛ تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - القصاص؛ چ اول، قم: مرکز فقہی ائمه اطهار (ع).
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق)؛ کتاب العین؛ چ دوم، قم: نشر هجرت.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ ش)؛ الجامع لأحكام القرآن؛ چ اول، تهران: ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)؛ الکافی؛ چ اول، قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۶ ق)؛ ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار؛ چ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق)؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام؛ چ دوم، قم: اسماعیلیان.

_____ (۱۴۱۲ ق)؛ نکت النهایة؛ چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

محمدی، حمید (۱۳۹۸)؛ «مسئولیت دولت یا حکومت: تبیین مبانی آن در آموزه‌های فقه و حقوق کیفری»؛ مجله پژوهش حقوق عمومی، ش ۶۲.

مرعشی نجفی، سیدشهاب‌الدین (۱۴۱۵ ق)؛ القصاص علی ضوء القرآن و السنة؛ چ اول، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

منصور، جهانگیر (۱۳۸۱ ش)؛ مجموعه قوانین و مقررات جزایی؛ چ اول، تهران: نشر دیدار.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ چ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱ ق)؛ السنن الكبرى؛ چ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.